



دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۷

پذیرش مقاله: ۹۱/۹/۸

مطالعه تطبیقی تشابهات سفالینه‌های متأخر دوره پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی ایران

عباس اکبری* محبوبه حسینی یزدی نژاد**

چکیده

پس از فروپاشی حکومت ساسانیان و ظهور اسلام در ایران، فقر هنری اعراب سبب شد تا هنرمندان مسلمان شاکله هنر اسلامی را بر پایه سنت‌های هنری ایران باستان بنانند. از این رو هنر سفالگری ایران در اوایل دوره اسلامی، راه دوره‌های تاریخی اشکانیان و ساسانیان را پیمود. آثار سفالین به یادگار مانده از اوایل دوره اسلامی، گواه این مطلب است که پیشینه هنر سفالگری دوره‌های تاریخی پیش از اسلام ایران، تأثیر بسیاری بر آنها داشته است. بدین سبب تعداد زیادی از آثار سفالین اوایل دوره اسلامی ایران، از بسیاری جهات شبیه دوره‌های هنری پیش از اسلام بود که این تشابهات در فاصله میان این دو دوره، سوء تفاهم‌هایی را در شناخت زمان این آثار پدیدمی‌آورد و موجب می‌شد بسیاری از آثار اواخر دوره ساسانی به اوایل دوره اسلامی و بالعکس منسوب گردد.

از این رو تلاش نگارندگان در پژوهش حاضر بر آن است تا به روشن شدن این سوء تفاهم‌ها و منشاء تشابهات و الهامات در سفالینه‌های اوایل دوره اسلامی ایران بپردازند. چراکه، طی نخستین سده‌های اسلامی سبک‌ها و سنن هنری ایران کهن، به ایران نوین و اسلامی وارد شد و ساخت سفالینه‌ها مطابق با سنت‌های هنری گذشته تداوم یافت. بنابراین ضروری است تا تشابهات سبک‌ها شناخته و سهم سفالگری ایران در موفقیت سفالگران مسلمان بررسی شود. روش تحقیق به کار گرفته در این مقاله، اسنادی-تاریخی با استناد به منابع کتابخانه‌ای همراه با رویکردی تحلیلی-توصیفی است.

دست‌آورد بررسی‌های انجام شده این چنین بود که شیوه‌های نقش‌پردازی هنر سفالگری ایران در اوایل دوره اسلامی، همان شیوه‌های دوره‌های پیش از اسلام است که به مرور با تکنیک‌های لعاب‌کاری ترکیب شده و پیشرفت شایانی هم کرده است.

کلیدواژگان: ساسانیان، اشکانیان، سفالینه، سفال اسلامی.

مقدمه

سفالگری یکی از مهم‌ترین هنرها در صنایع دستی و هنرهای سنتی ایرانیان است که در هر دوره‌ای تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی حاکم بر زمانه خود قرار گرفته و با ذوق و سلیقه شخصی و ملی هنرمند سفالگر درآمیخته است. تأثیر پیشینه غنی و پر بار سفال و سفالگری ایران را نمی‌توان در هنر سفالگری دوره اسلامی نادیده گرفت چراکه در بیشتر موارد، تجارب گذشتگان چون میراثی گرانبه به دوره‌های بعدی راه یافته است. با ورود آئین و مذهب جدید و پیرو آن تغییراتی که در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی سرزمین ایران رخ داد، هم‌زمان دگرگونی‌های چشم‌گیری نیز در هنر سفالگری قابل مشاهده است که ریشه در سنت‌های هنری پیش از اسلام دارد. بدین سبب که تولیدات سفالین پیش از ورود اسلام چه از نظر تکنیک و چه از نظر شیوه تزئین، پیشرفت زیادی کرده بودند و در ادامه، به سبک رایج دوره اسلامی تبدیل شدند. آن گونه که سده سوم هجری، سفالگران مسلمان در اثر تحریک و تقلید از تولیدات سفالینه‌های آبی و سفید چینی صادراتی به ایران، به ابداع لعاب سفید قلع دست‌یازیدند که در واقع این کار، احیای فن لعاب‌سازی دوره اشکانی بود.

بنابر آنچه گفته شد هدف این پژوهش، بررسی تشابهات موجود در سفالینه‌های دوره‌های تاریخی پیش از اسلام با سفالینه‌های اوایل دوره اسلامی، یافتن و معرفی ویژگی‌های مشترک تداوم‌یافته از سنت‌های هنری پیشین در هنر دوره‌های بعد و پی‌گیری ردپاهای برجای‌مانده از آنها در هنر سفالگری دوره اسلامی است. بنابراین، آثار سفالین از نظر ویژگی‌هایی چون فرم و اندازه، شیوه ساخت و نقش و لعاب بررسی و شناسایی شدند.

پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده می‌توان گفت، تاکنون تحقیق مستقلی درباره مقایسه و ارزیابی سفالینه‌های دوره‌های متأخر پیش از اسلام و اوایل دوره اسلامی نگاشته نشده است. تنها در کتاب‌های "فن و هنر سفالگری" (توحیدی، ۱۳۷۹)، "سفال ایران" (رفیعی، ۱۳۷۷) و "سفال و سفالگری از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر" (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰)، سفال دوره‌های تاریخی و نیز سفال دوره اسلامی ایران بررسی شده است. در برخی کتاب‌های دیگر چون "سفالگری جهان اسلام" (فهروری، ۱۳۸۸) و "سفال اسلامی" (جی‌گروه، ۱۳۸۴) فقط نمونه‌هایی از سفال اوایل دوره اسلامی ارزیابی شده است. با نگاهی کلی بر منابع نام‌برده چنین دریافت می‌شود که به تشابهات میان

سفال اوایل دوره‌های تاریخی و اوایل دوره اسلامی اشاره‌های گذرا شده و تنها، بیان شده که سفال دوره‌های تاریخی، الگوی سفالگران اوایل دوران اسلامی بوده است. با این‌همه برخلاف پژوهش‌های گذشته، در این مقاله تلاش نگارندگان بر آن بوده تا نمونه‌های متأخر قبل از اسلام و اوایل اسلامی را کنار یکدیگر مقایسه و به گونه‌ای مستقل و با نگاهی جامع بر تمامی ابعاد یک اثر سفالین همچون فرم، شیوه‌های تزئینی، نقش، لعاب و تشابهات میان آنها بررسی کنند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از گونه بنیادی است که با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی-تحلیلی، مطالب آن از میان منابع معتبر کتابخانه‌ای با روش اسنادی-تاریخی گردآوری شده است.

فرم ظرف‌های سفالین

یکی از ویژگی‌های اثر سفالین که می‌تواند معرف و نماینده یک دوره خاص باشد، فرم یا شکل آن ظرف سفالین است. شکل ظرف‌های سفالین در هر تمدن و یا حتی دوره تاریخی متفاوت است آن‌چنان‌که گاه با باورها، اعتقادات و مراسم آئینی مردم هم‌عصر خود پیوندی خورد. افزون بر آن، ظروف سفالین بنا بر نیازها و کاربرد روزانه آنها اشکال متفاوتی می‌یابند به گونه‌ای که طبقه‌بندی و نام‌گذاری آنها نیز بر همین مبنا صورت گرفته است. در همین راستا، ظرف‌های سفالین را بسته به عناصر آنها همچون دسته، لوله آب‌ریز، پایه و رابطه ارتفاع ظرف و قطر در سه گروه عمده بخش‌بندی می‌کنند:

۱. این گروه ظرف‌هایی را دربرمی‌گیرد که ارتفاع آنها از بزرگ‌ترین قطر ظرف کمتر است (ظروف دهان‌گشاد)، دهانه آنها از بزرگ‌ترین قطر کوچک‌تر است همچون پیاله‌ها و کاسه‌ها (ظروف دهانه‌تنگ) و ظرف‌های کوتاه و حجیم (فنجان و قوری).
۲. ظرف‌های سفالینی که بلندی آنها از بزرگ‌ترین قطر بیشتر است مانند انواع جام‌ها، کوزه‌ها و خمره با گردن تنگ، آبخوری و ابرقی.
۳. شکل‌های خاص و متمایزی مانند قمقمه‌های مسافرتی، ظرف‌هایی به شکل حیوانات، ریتون و پیه‌سوزها (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۷). طی سه دوره اولیه اسلامی به پیروی از صنعت سفال‌سازی دوره‌های تاریخی همچون اشکانیان و ساسانیان، کوزه‌ها و خمره‌ها و اشیای سفالینی ساخته می‌شد که یا ساده بودند و یا با انواع تزئینات گیاهی و جانوری و گل و برگ آراسته شده بودند. سادگی، روزمرگی و مردمی بودن سفال در دوره ساسانی با روح تعالیم اسلامی، همخوانی داشت. از همین رو در سده‌های نخست اسلامی، سبک سفال دوره ساسانی مورد تقلید سفالگران مسلمان



وجود دارد که با لعاب فیروزه‌ای پوشیده شده، لعاب آن جلوه‌ای قرح‌سان (رنگین کمانی) دارد. در قسمت بالای کوزه یازده دسته وجود دارد با نقش ماری که به دور آن حلقه زده، همچنین صفحات گرد و کوچک به صورت تکه کاری تزئین گشته است. تاریخ ساخت این ظرف را می‌توان به سال‌های بین سده‌های هفتم/اول و اوایل سده هشتم/دوم نسبت داد. «(فهروری، ۱۳۸۸ : ۹)، (تصویر ۳). مضمون‌های تزئینی روی این کوزه‌ها از مضمون‌های کهن و نمادین ایران گرفته شده که بیشتر نقش ماری است که دور این خمره‌ها پیچیده شده است. از دوره ایلامیان، روی سفالینه‌ها با نقش مار تزئین می‌شده که نمادی از آب‌های زیرزمینی و الهه باروری بوده است چراکه حرکت موجی شکل بدن مار هنگام حرکت، آن را با آب مرتبط کرده است.

کوزه تک‌دسته (تصویر ۷)، از فرم‌های رایج دوره اشکانی است که در تصویر ۶ هم، نمونه تکراری آن در اوایل دوره اسلامی دیده می‌شود. در دوره اشکانی فرم‌هایی از سفالینه‌ها، تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ یونانی شکل می‌گیرد که گاه تا



تصویر ۱. سبوی سفالی با نقش‌های مهری خوزستان، اوایل دوره اسلامی ارتفاع ۹۸ سانتی‌متر (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

قرارگرفت و سرمنشأ بسیاری از اشکال و فرم‌های سفالین دوره اسلامی شد. در کل، با توجه به پیشینه طولانی شیوه‌های سفالگری در ایران، شاید بتوان نوع شناسی^۱ سفال اوایل دوره اسلامی را نتیجه سفال دوره ساسانی دانست. از اشکالی که در دوره اسلامی تحت نفوذ دوره‌های گذشته رواج می‌یابد، خمره‌های بزرگ و نخودی رنگ انباری یک‌متری با تزئینات مهری و قالبی است. این‌گونه خمره‌ها، انتهای مخروطی شکل با دهانه تنگ دارند که معمولاً روی پایه‌ای و یا در شن قرار می‌گرفتند. نمونه‌های به دست آمده از آنها مربوط به شوش است (تصویر ۱). «خمره معروف و منقوش شوش که دارای خط کوفی تزئینی به شکل گل و گیاه اسلیمی و سر عقاب و متعلق به سده دوم هجری است با طرحی به سیاق دوره ساسانی و در ترکیبی با نشیمن‌گاه کم‌تکا ساخته شده که بنا به سنت ساخت سفال‌های بزرگ در بعضی نقاط ایران باید در پایه یا ماسه قرار گیرد.» (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۸۵). باینکه خمره‌های ته‌مخروطی بزرگ بانقوش مهری، یکی از تولیدات اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است لیکن متأسفانه، از نمونه این خمره‌ها آنچه مربوط به دوره ساسانی است، تصویری به دست نیامد.

نوع دیگری از خمره‌های بزرگ که در دوره ساسانی تولید می‌شد، اطراف گردن کوتاه آنها دسته‌های متعددی قرار داشت (تصویر ۲). در دوره اسلامی نمونه‌هایی از این نوع خمره دیده می‌شود که نه تنها به لحاظ شکل ظاهری بلکه از نظر تزئینات برجسته روی بدنه نیز، با نمونه‌های ساسانی همگونی بسیاری دارد (تصویر ۴). «از نمونه‌های متداول این نوع سفالینه‌ها کوزه‌های بزرگی بود که به ظروف ساسانی-اسلامی یا ظروف سبز و آبی معروف است. کوزه‌ای بزرگ از این نوع در موزه طارق رجب



تصویر ۴. کوزه بزرگ با لعاب فیروزه‌ای، ایران یا عراق سده سوم تا چهارم هجری (manners & hugo, 1997:90).



تصویر ۳. کوزه بزرگ با لعاب آبی قلیایی، ایران یا عراق سده اول تا دوم هجری. ارتفاع ۴۱، قطر دهانه ۱۹/۵ سانتی‌متر (فهروری، ۱۳۸۸: ۸).



تصویر ۲. خمره ذخیره آذوقه دوره ساسانی با لعاب آبی، ارتفاع ۴۶/۵ سانتی‌متر (همان: ۱۸۹).

دوره اسلامی نیز دوام یافته و از فرم‌های رایج اوایل دوره اسلامی شده‌اند. آمفوراها یا کوزه‌هایی که دو دسته روی شانه آنهاست و گردن گشاد و کوتاهی دارند، از این دست هستند (تصویرهای ۵ و ۶).

قمقمه‌ها

ظرف‌های قمقمه‌ای یادگاری از ادوار تاریخی پیش از اسلام است. قمقمه‌های مسافران دوره اشکانی با دسته یا بی دسته دارای شانه مدور و بدون زاویه، مشابه نمونه‌های دوره آهن و یا زاویه‌دار هستند و همگی در سطح خود پوششی از لعاب گلی را بر خود دارند. ضمن اینکه، تزئیناتی هم به شکل گل‌های ستاره‌ای و دایره‌های متحدالمرکز بر آنها قرار دارد. قمقمه‌های دوره اشکانی (تصویر ۸)، بسیار به همتای دوره اسلامی خود شبیه هستند. در دوره اسلامی قمقمه‌های مسافران با تزئینات قالبی آراسته می‌شدند و معمولاً ساخت آنها با دو تکیه‌گاه انجام می‌شد. بدین معنا که این قمقمه‌ها یا ایستایی عمودی و یا ایستایی افقی داشتند. «معمولاً این ظروف از سفال قرمز یا سفید در دو نیمه مشابه ساخته می‌شد و در نهایت این دو نیمه به یکدیگر متصل می‌گشت. تزئینات قالبی این ظروف بیشتر با طرح شمسه، نقشی خورشیدگون را در مرکز ظرف نشان می‌داد در حالی که، پرتوهای نور آن گسترده می‌شود.» (فهروری، ۱۳۸۸: ۹)، (تصویرهای ۹ و ۱۰). نقش‌های خورشیدگون روی آنها، بیانگر شدت تأثیرپذیری قمقمه‌های دوره اسلامی از دوره اشکانی است.

ظرف‌های مجسمه‌گون

ساخت ظرف‌ها به شکل پیکر حیوانات، ریشه‌ای کهن در سنت هنری ایرانی دارد آن‌چنان که که، پیشینه این ظرف‌ها به ورود آریائیان به سرزمین ایران بازمی‌گردد. این قوم بر این باور بودند که خوردن و آشامیدن از ظرف‌هایی

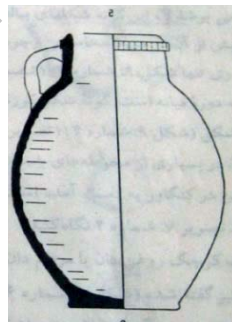
به شکل پیکره‌هایی از حیوانات قدرتمند، سبب انتقال نیروی آن حیوان به آنها می‌شود. در دوره اشکانی و به‌ویژه سبک سفال اردبیل در منطقه آذربایجان هم، ساخت ظرف‌هایی مجسمه‌گون از حیوانات دیده می‌شود (تصویر ۱۱). «بدن این حیوانات به گونه‌ای شیوه‌یافته ساخته شده و سرها واقعی‌تر و طبیعی‌تر ساخته شده‌اند. بدنه‌ها احتمالاً با دست شکل گرفته‌اند و به‌طور معمول بیضی‌شکل‌اند. مشخصه آنها وجود یک دهانه یا گردن لوله‌ای در وسط پشت ظرف است که مایع می‌تواند از آبریز واقع در پوزه حیوان نیز تخلیه شود. گردن ظرف با یک دسته به پشت متصل شده است. تعداد پاهای کوچک این حیوانات سه یا چهار عدد است.» (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۴۸). «ساخت مجسمه‌های گلی لعابدار و بی لعاب انسان و حیوان نیز در دوره ساسانی رواج داشته که ساخت آن در دوران اسلامی تحت نفوذ دوره ساسانی ادامه پیدا کرده است.» (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲)، (تصویر ۱۲). از دیگر موارد کاربرد پیکر حیوانات، به‌صورت عنصری تزئینی در دسته ظرف‌ها است. «در ایران کاربرد دسته‌ها به شکل حیوانات از دوره آهن سابقه داشته است ولی به‌نظرمی‌رسد که از دوره اشکانی ساخت این گونه دسته افزایش می‌یابد و در منطقه گرگان از سده‌های اول و دوم پیش از میلاد بیشتر رایج شده است.» (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۰۸)، (تصویرهای ۱۳ و ۱۴). در دوره اسلامی نیز تعداد بسیاری از ظرف‌ها با دسته حیوانی دیده می‌شوند که بیشتر به شکل شیر و گربه‌سان هستند. به‌ویژه این‌که، در قرن‌های ۶-۷ هجری استفاده از آنها بیشتر می‌شود (تصویر ۱۵).

نقوش سفالینه‌ها

شاخصه‌ای که موجب زیبایی و جذابیت ظاهری هرچه بیشتر اثر سفالین می‌شود، نقش است. سفالینه‌ها از همان دوران ابتدایی آغاز سفالگری، روی بدنه خود نقوشی داشته‌اند



۸. قمقمه اشکانی، ارتفاع ۱۴/۴ سانتی‌متر (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۶۰)



تصویر ۷. سفال لعابدار دوره متأخر اشکانی (هرینک، ۱۳۷۶: ۵۹).



تصویر ۶. این نمونه، متعلق به گروهی سفال شناخته شده از دوران پیش از اسلام است که تولید آن تا دوره اموی و سده دوم هجری ادامه داشته است. کوزه تک‌دسته ایران، سده هفتم میلادی، ارتفاع ۲۹/۸ حداکثر و قطر آن ۱۸/۹ سانتی‌متر (جی گروه، ۱۳۸۴: ۵).



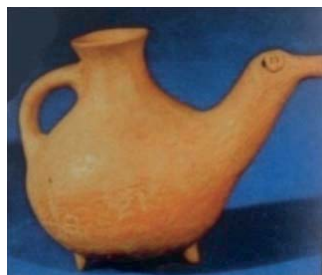
تصویر ۵. سیوی سفالی دودسته (آمفورا)، دوره اشکانی یا ساسانی با لعاب آبی-سبز و نقوش کنده، ارتفاع ۳۲ سانتی‌متر (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۸۲)

نقوش گیاهی

از موتیف‌های تزئین گیاهی در دوره اشکانی، تزئین برگ نخلی است. «نقش قالبی برگ نخلی شاخص شناسایی نقش سفال دوره اشکانی است.» (توحیدی، ۱۳۷۹: ۱۷۹). از دیگر نقوش دوره اشکانی، برگ و پیچ‌های مو است. شاید در ادامه همین

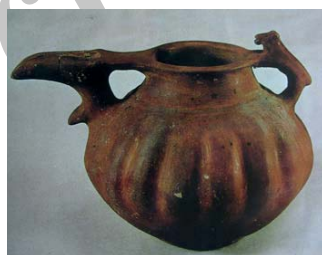


۹. قمقمه دوره ساسانی از شوش، ۱۰. قمقمه آب مسافران، سده‌های اول ارتفاع ۱۸، قطر دهانه ۴/۷ سانتی‌متر تا دوم هجری، ۲/۵ ارتفاع عرض ۱۶/۵ با نقش دایره‌های متحدالمرکز با لعاب سانتی‌متر، لعاب تکرنگ سربی آبی قلبیایی (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۳۶). (فهروری، ۱۳۸۸: ۱۰).



۱۱. سفال براق نخودی دوره متاخراشکانی (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۵۵۶).

۱۲. کوزه سفالی نیشابور قرن ۴ هجری (موسوی خامنه، ۱۳۸۶: ۸۶).



۱۳. ظرف سفالی سیاه براق، یافت‌شده از حسنلو، هزاره اول ق.م. (توحیدی، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

۱۵. کوزه عراق قرن سوم هجری، ارتفاع از حسنلو ۳۹ سانتی‌متر دسته به شکل پلنگی در حال پرش (جی‌گروه، ۱۳۸۴: ۳۱).

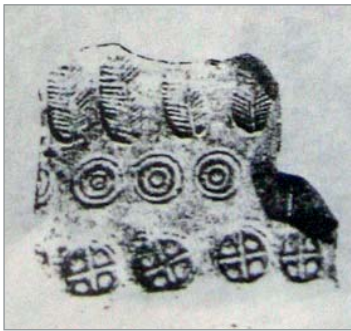


۱۴. ظرف سفالی براق به رنگ قرمز یا قهوه‌ای، دوره اشکانی (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۰۸).

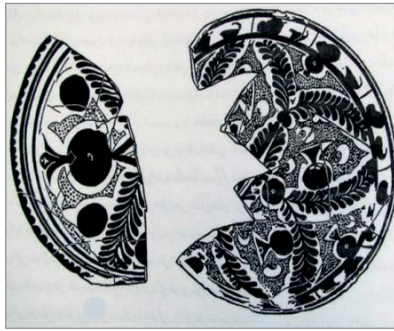
که نشأت گرفته از ذهن خلاق سفالگران سازنده ظرف‌ها و دربردارنده مفاهیم و باورهای اعتقادی، مذهبی، قومی و آئینی آنان بوده است. بی‌جهت نیست که سفالینه‌های منقوش را نخستین کتاب بشر خوانده‌اند. سفالگران، بر پایه آئین‌ها و اعتقادات و با الهام از طبیعت پیرامون خود نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی و هندسی را بر بدنه سفال نقش‌اندازی کرده‌اند. در ایران که خود مهد سفالگری است، از دیرباز انواع نقوش یادشده رایج بوده است. با نفوذ فرهنگ اسلام و بنابر فقر هنری اعراب، استفاده از نقوش پیشین که در پایگاه‌های هنر ساسانی رایج بود، ادامه یافت. این نقوش، برگرفته از گذشته هنر ایرانی و بیشتر فلزکاری و گچ‌بری و نقش برجسته‌های دوره ساسانی بود که روی سفالینه‌های این دوران تصویر شد (تصویرهای ۱۶، ۲۳ و ۲۶). «هنرمندان دوران اسلامی همان‌طور که سفال را به جای فلزات به کار بردند، نقوش فلزات را نیز در سفال‌ها اجرا کردند.» (زمانی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). شاید بتوان گفت تنها تزئینی که برگرفته از فرهنگ اسلامی است، استفاده از خطوط کوفی است که تقریباً از قرن دوم هجری رواج می‌یابد. با این حال، نمونه‌هایی از خط‌نوشته و کتیبه هم روی سفال از دوره اشکانی و ساسانی یافت شده است. با تأمل بر بررسی تشابهات سفالینه‌های پیش از اسلام و اوایل اسلامی، می‌توان طبقه‌بندی مشخصی از انواع نقوش را ارائه داد.

نقوش هندسی

نقوش هندسی، از متداول‌ترین نقوش در تزئین سفالینه‌ها در دوره‌های گوناگون پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی در ایران بوده و تا امروز نیز، از رایج‌ترین نقوش تزئینی‌اند. اشکال درهم‌پیچیده، دایره‌های متحدالمرکز، زیکزاگ‌ها و نقوش قلب‌مانند از نقش‌های هندسی مورد کاربرد در دوره ساسانی بود. در عین حال نقش دایره‌های متحدالمرکز، چلیپا با نقطه‌هایی روی بازوها، نقش چرخ، نقش چلیپا در دایره، نقوش فلس‌مانند و نقوش مربع و مثلث همین‌طور تزئینات انگشتی و خطوط دالبری و موجی‌شکل نیز، از نقوش مورد علاقه اشکانیان بود (تصویر ۱۸). نقوش هندسی دوره اسلامی هم، تا اندازه بسیاری برگرفته از این دوره‌ها است. نقوشی همچون طرح‌های چلیپایی‌شکل و نقوش برگرفته از دایره مانند حلزونی و شعاعی از طرح‌های مورد پسند در دوره اسلامی است که همراه نقوش دیگری چون خطوط کتیبه‌ای، به کار می‌رفته‌اند (تصویر ۱۹).



۱۸. نقوش هندسی روی سفال اشکانی (هرینگ، ۱۳۷۶: ۹۳).



۱۷. تکه‌هایی از کاسه منقوش سفالی با نقش گل اناری، قرن ۴ هجری ماوراءالنهر (همان: ۱۷۲۵)



۱۶. قطعه‌ای از آذین گچ‌بری تیسفون دوره ساسانی با موتیف گل اناری (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۷۳).



۱۹. کاسه سفالین نقش کنده، قطر ۱۹ سانتی‌متر، قرن ۴ هجری کف کاسه با نقوش دایره‌های متحدالمرکز، طرح چلیپا و نقوش فلس‌مانند تزئین شده است (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۵۸۵).

برگ از آن منشعب شده است.» (همان: ۶). ضمن اینکه برخی پژوهشگران براین باورند که «اهمیت فوق‌العاده این نیم پالمت‌های سه‌لبی پشت‌به‌پشت در این است که احتمالاً به خط کوفی گلدار تولد داده است.» (زمانی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). نمونه‌های این نوع گچ‌بری‌ها از کاخ تیسفون به دست آمده است (تصویر ۲۰).

نقوش حیوانی

از زمانی که انسان، دست‌ساخت‌های گلی خود را به نقوش گوناگون آراست، از نقوش حیوانات اطراف خود الهام گرفته است. «نقوش حیوانی مانند: درندگان، پرندگان، خزندگان، آبزیان و سایر حیواناتی که در منظر بشر قرار داشت،

پیچ‌های مو، حلزونی‌ها و فرم‌های پیچان دوره اسلامی هم تشکیل یافته باشد. برگ‌های خرما، گل و برگ‌های ساده شده و درخت‌های منظم نیز، از مضمون‌های گیاهی دوره ساسانی روی سفالینه‌ها است (تصویر ۲۱). «هنر رسمی دوره ساسانی متمایل به تکرار نقوش متقارن تجریدی و علاقه‌مند به موتیف‌های خیالی مثل درخت مقدس، پالمت به صورت کامل و یا نیمه، گل‌های روزت و نقوش کنگره‌ای و بال‌های جفتی بود که به‌عنوان نمادهای سلطنتی به کار می‌رفت.» (Lane, 1947: 5). نقش مایه‌های گیاهی چون برگ نخل، پالمت و گل‌های ریز از نقش‌مایه‌های اصلی گیاهی اوایل دوره اسلامی است که نمونه‌هایی از آنها از کشفیات سامرا به دست آمده است. بنا بر نظر ویلسن آلن^۲، برگ نخل مورد علاقه سفالگران اوایل دوره اسلامی که به صورت شکوفه‌های پنج‌برگ ترسیم شده، سرمنشأ اسلیمی‌هایی است که بعدها متداول شدند (ویلسن آلن، ۱۳۸۳: ۹)، (تصویر ۲۲). البته آرتورلین^۳، درباره سرچشمه اسلیمی‌های دوره اسلامی این‌گونه بیان می‌دارد «هنر اسلامی برای دور شدن از نقوش دوره ساسانی به جای پالمت‌های کامل ساسانی از پالمت‌های نیمه‌شده استفاده کرد و پالمت‌های نیمه‌شده به صورت تدریجی قسمت میانی خود را از دست داده‌اند و فرم دو



۲۲. ظرف سفید با نقاشی به رنگ آبی، قطر ۲۰/۲ و ارتفاع ۶ سانتی‌متر (ویلسن آلن، ۱۳۸۳: ۱۰).



۲۱. سفالینه بدون لعاب دوره ساسانی شوش، بلندی ۱۰ سانتی‌متر (همان: ۸۲۷).



۲۰. آذین گچ‌بری کاخ تیسفون دوره ساسانی (همان: ۱۷۳).



۲۴. قطعه‌ای از آدین گچ‌بری دوره ساسانی تیسفون، بهنا ۳۷/۵ سانتی‌متر (همان: ۱۷۷).



۲۵. کاسه سفالین زرین‌فام اولیه، قطر ۹ سانتی‌متر با نقش گراز قرن سوم هجری (همان: ۵۷۸).



۲۶. سینی ساسانی (زمانی، ۱۳۹۰: ۱۷۲).



۲۷. جام سفالی منسوب به اوایل دوران اسلامی (پوپ و آکرم، ۱۳۸۷: ۵۸۵).



۲۳. سبوی بی‌لعب دوره ساسانی با نقش گوزن شاخدار، ارتفاع ۳۲ سانتی‌متر (پوپ و آکرم، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

روی سفال طراحی و نقاشی شد. نقوش حیوانی زمانی جدا و زمانی توأمان با دیگر نقوش سفالینه چون گیاهی، هندسی و انسانی برای آرایش ظروف سفالین به کاررفته، نقوش حیوانی سفالینه‌ها به تدریج با نقوش انسانی مرتبط گردید و به مرور ایام براساس داستان‌های ادبی، پند و اندرزها و باورهای مذهبی به صورت استیلیزه طراحی شد. «کیانی، ۱۳۷۹: ۷۶». نقوش حیوانی سفال‌های دوره ساسانی، همان نقش‌مایه‌هایی است که بر منسوجات، فلزکاری‌ها، گچ‌بری‌ها و کنده‌کاری روی مهرهای این دوره تکرار شده و «به صورت گوزن شاخدار در حال چریدن، کبک، خروس، مرغ شاخدار و یا طاووس است که وجه مشخصه سفال دوره ساسانی از اشکانی است.» (توحیدی، ۱۳۷۸: ۱۸۹)، (تصویر ۲۳). نمونه‌هایی از نقوش حیوانی به کاررفته در اوایل دوره اسلامی نیز تقلیدی از گچ‌بری‌های نقش برجسته‌ها و فلزکاری دوره ساسانی است (تصویرهای ۲۷-۲۳).

نقش عقاب ساسانی روی فلزکاری‌ها، نقشی است که بر سفال اوایل دوره اسلامی نیز مشاهده می‌شود. این نقش، عقابی را از روبه‌رو نمایش می‌دهد که سر عقاب به سمت راست برگشته است. نمونه زیر، یک سینی ساسانی و یک جام سفالی مربوط به اوایل دوره اسلامی است که نقش جام سفالی بسیار به سینی ساسانی شباهت دارد در حالی که عقاب، زنی را با پنجه‌های خود نگه داشته است.

نقوش انسانی

نقوش انسانی از مهم‌ترین نقوش تزئینی روی سفالینه‌هاست که گاه در ارتباط با نقوش دیگر و گاه مستقل، بیانگر مفاهیم مذهبی، آئینی و اعتقادی است. پیشینه نقوش انسانی بر ظروف سفالین را باید در ادوار بسیار کهن تاریخ ایران همچون سفالینه‌های سیلک و شوش جستجو کرد. کاربرد نقوش انسانی در دوره‌های اشکانی و ساسانی نیز، رایج بوده است. مانند نقش انسان در حال تیراندازی که از نقوش متداول دوره اشکانی است (تصویر ۲۸). «استفاده از نقوش انسانی در دوره اشکانی به صورت نقاب‌ها یا تندیس‌های کامل به عنوان تزئین

ظرف‌های بزرگی مثل خمره‌ها دیده می‌شود. البته، مهرهای دوره اسلامی به نسبت اجداد ساسانی خود از ظرافت بیشتری برخوردارند. در این تکنیک، تزئین «با فشردن گل رس مرطوب درون قالبی از گل رس پخته یا فلزی انجام می‌شده است. بدیهی است قالب‌هایی که دارای طرح گود بوده‌اند، تزئین آنها به صورت برجسته نمایان می‌شده و قالب‌هایی با طرح برجسته تزئین گود را ایجاد می‌کردند.» (رفیعی، ۱۳۷۷: ۴۷). یکی از مزایای استفاده از قالب، تولید نامحدود و تکراری است. در دوره اسلامی، ساخت ظرف‌های قالبی در مراکز سفالگری همچون نیشابور بسیار رایج و معمولاً نقوش، شامل فیگورهای انسانی، سر انسان و کتیبه‌های کوفی بوده است. از دیگر تکنیک‌های تزئینی دوره اسلامی، کاربرد روش کنده کاری است. نقش کنده، از ابتدایی‌ترین شیوه‌های تزئین روی سفالینه‌ها است. «سفالگران در دوران پیش از تاریخ و به‌طور گسترده پس از آن در تزئین نقش کنده روی سفال، از خود مهارت نشان داده‌اند. ... پژوهشگران منشأ تولید این نوع سفال را از مصر و رشد آن را در بین‌النهرین، سوریه و سپس ایران می‌دانند» (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۶۶). نخست این شیوه، روی سفال بدون لعاب معمول بود. سپس، استفاده از ترکیب تکنیک کنده کاری و تزئین رنگی لعابی قرن سوم هجری مورد توجه قرار گرفت که به اسگرافیتو^۴ موسوم شد. شاید این تکنیک، برگرفته از تزئینات کنده کاری و قلم‌زنی فلزکاری دوره ساسانی است. از دیگر تزئینات رایج دوره اسلامی، فن باربوتین^۵ است که از شیوه‌های متداول دوره ساسانی به‌ویژه در تزئین خمره‌های بزرگ بوده است. معمولاً تکنیک کار بدین گونه بود که گل رس از سوراخ کیسه‌ای با فشار به شکل خطوط و مارپیچ، روی ظرف قرار داده می‌شد. گاه «برای انجام این نوع تزئین سفالگران نقوش مورد نظر خود را جداگانه با خمیر باربوتین ساخته و سپس به صورت

روی تابوت‌ها و گردن آموغورها به کار رفته است. روی بعضی از تابوت‌های سفالین، تندیس الهه‌ای عریان یا نیمه‌عریان و مردی جنگجو است.» (پوپ، ۱۳۸۷: ۸۱۳-۸۱۱)، (تصویر ۵). نقوش انسانی در دوره تاریخی به‌ویژه دوره اسلامی با بسیاری از مفاهیم ادبی و داستانی پیوندمی‌یابند. برای نمونه، داستان بهرام گور و آزاده موضوع بسیاری از سفالینه‌ها در دوره اسلامی همچون سفالینه‌ها با لعاب مینایی و زرین‌فام است که به‌گونه گسترده‌ای در این دوره از آن استفاده شده است. از این رو می‌توان گفت جلوگیری از شمایل‌نگاری در اسلام، تأثیر چندانی بر هنرمند ایرانی نداشته و آنها همچنان، از سنن هنری پیش از اسلام در ترسیم نقوش انسانی پیروی کرده‌اند. قرن چهارم در مراکز چون نیشابور، نمونه‌های فراوانی از نقاشی‌های گل‌رسی با مضامین ساسانی وجود دارد. از مضمون‌های به‌کاررفته در آنها «سوارکاران و پادشاهانی است که ماهرانه طراحی شده‌اند و دارای زمینه شلوغ از طرح‌های زمان ساسانیان است که با دوغاب سیاه و زرد و قرمز نقاشی شده‌اند.» (برند، ۱۳۸۸: ۱۲).

شیوه‌های تزئین روی سفال

طی سه سده اول اسلامی، اشیای سفالینی به پیروی از دوره ساسانی ساخته می‌شدند که یا ساده و یا با انواع نقوش گیاهی و جانوری و هندسی آراسته شده بودند. این تزئینات، گاه با افزودن مقداری گل هنگام نیمه‌خشک بودن بدنه، به صورت نقش افزوده و گاه با کندن گل از بدنه‌های سفالین به صورت نقش کنده و زمانی با استفاده از قالب‌های منفی و گاه مهرها، به‌گونه برجسته روی بدنه اشیای سفالین ایجاد می‌شدند. برخی از این تزئینات دارای لعابند و بعضی هم بدون لعاب هستند (تصویرهای ۲۹ و ۳۰). کاربرد قالب، شیوه‌ای است که در درازنای دوران تاریخی و پیش از تاریخ، در ایران رواج داشته است. در دوران ساسانی و اوایل دوره اسلامی، کاربرد تکنیک مهر و قالب به شکل تزئینات مهری بر



۳۱. سفال نخودی با نقوش برجسته مهری و فن باربوتین بر آستر لعاب سبز، ارتفاع ۲۷/۴ و حداکثر قطر ۱/۸ سانتی‌متر (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۱۹۴).



۳۰. تنگ سفالی بدون لعاب با نقش کنده و افزوده، احتمالاً دوره ساسانی (جی گروبه، ۱۳۸۴: ۲۶).



۲۹. سفالینه زرین‌فام اولیه سده سوم یا چهارم هجری، قطر ۲۴ سانتی‌متر (همان، ۵۷۹).



۲۸. نقش برجسته سوار کمان‌دار از گل پخته دوره اشکانی، بلندی ۱۷ سانتی‌متر (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۳۴).



بنابراین، این نوع ظروف سفالی را به زرتشتیان مازندران نسبت داده‌اند اما به گمان ما به کاربردن این نقش و نگارها مستلزم آن نیست که سازنده آتش پرست باشد و در واقع سازنده، در تزئین ساخته‌هایش به برخی از سبک‌های تزئینی موروثی بدون توجه به تفسیر آنها یا کاوش درباره اصولشان گرایش داشته‌است. (حسن، ۱۳۷۷: ۱۵۹). شاید بتوان گفت، این نقوش را سفالگران مسلمان با استفاده از نقوش سنتی و آبا و اجدادی خود، ترسیم کرده‌اند. بنابراین، کاربرد بعضی از شیوه‌های تزئین سفال پیش از اسلام را می‌توان در نمونه‌هایی از سفالینه‌های متأخرتر آن بازیافت که در مواردی، حتی با نقوش مشابه استفاده شده‌اند. هرچند در ادامه تکامل سفال اسلامی این شیوه‌ها تنها وسیله اجرای نقوش سفال اسلامی شد.

لعاب سفالینه‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار سفالین، لعاب است. لعاب‌های اولیه همچون گلاب‌های بیشتر برای ایجاد بستری مناسب جهت تزئین روی بدنه‌های سفالین به کار می‌رفتند لیکن، به تدریج استفاده از لعاب‌های شیشه برای ایجاد سطحی صاف و صیقلی و افزایش خواصی چون نفوذناپذیری همچنین، ایجاد زیبایی ظاهری به‌ویژه با افزودن اکسیدهای فلزی و دادن جلوه‌های رنگین به سفالینه‌ها، متداول شد. قدیمی‌ترین لعاب‌ها قلیایی‌اند و حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در مصر تولید شده‌اند. «در هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح کهن‌ترین تمدن شناخته شده مصر به نام باداریان مهره‌هایی قهوه‌ای رنگ از سنگ صابون که با لعاب آبی فیروزه‌ای قلیایی پوشیده شده بود، می‌ساختند.» (وولف، ۱۳۷۲: ۱۲۵). در ایران نیز از حدود ۱۲۵۰ سال ق.م. گل‌میخ‌ها و مهره‌های استوانه‌ای لعاب‌دار از معبد چغازنبیل شوش به دست آمده که گویای آشنایی ایلامیان با فن لعاب بوده‌است. به گفته یوسف حسن زاده از دوره مانایی‌ها نیز از تپه قلاچی بوکان آجرهای لعاب‌دار کم‌نظیری کشف شده که تقریباً با آثار به دست آمده از گنجینه زیویه هم‌دوره است. چراکه از این گنجینه زیویه نیز کوزه‌های لعاب‌دار زیبایی یافت شده‌است (حسن زاده، ۱۳۸۴)، (تصویر ۳۲). در دوره هخامنشی تولید آجرهای لعاب‌دار معمول بوده به گونه‌ای که لعاب در این دوره، بیشتر در خدمت معماری به کار رفته‌است. بدین سبب که روح تجمل‌گرایی هخامنشیان و استفاده از ظرف‌های طلایی و نقره‌ای، مجالی برای کاربرد ظرف‌های سفالین باقی نگذاشته بود. خشت‌های پخته و لعاب‌دار برای تزئین دیوار کاخ‌ها با نقوشی چون سربازان جاویدان، کماندار پارسی، اسفنجس^۷، گاو بالدار و فروهر، بخشی از

قطعات کوچک مانند گل خوشه‌انگور، نوار و غیره بر سطوح ظروفی که هنوز خشک نشده بود، وصل می‌کردند. از این روش برای افزودن دسته‌های خمه و کوزه نیز استفاده می‌شده که علاوه بر جنبه تزئینی، کاربرد عملی هم داشته‌است. (رفیعی، ۱۳۷۷: ۴۷)، (تصویر ۳۱).

تعداد بسیار اندکی از ظرف‌های مشابه این کوزه تا به امروز برجای مانده که آنها را براساس محل کشف، که در امپراطوری کهن ساسانی، ایران و عراق و نیز شباهت شکل و کیفیت نقوش برجسته آنها به سفال آن دوره، ساسانی خوانده‌اند. در عین حال، عوامل متعدد دیگری بیانگر تعلق آنها به دوران پس از ساسانی است (جی گروه، ۱۳۸۴: ۱۸). یکی دیگر از شیوه‌های متداول تزئین، لانه‌زنبوری بوده که اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی در برخی از میدان‌های سفالگری کاربرد داشته‌است. شاید این شیوه برگرفته از تزئینات شیشه‌های دوره ساسانی است که شامل «کوزه‌های بزرگ با ترکیبی تخم‌مرغی شکل‌اند و در سه طرف دسته دارند. بافت آنها خشن و زبر است و تزئین آن با انگشت‌های سفالگر انجام می‌شده‌است. بدین ترتیب که سرانگشتان را پیش از پخت در گل خیس سطح سفال برای ایجاد شکل لانه‌زنبوری فرومی کرده‌اند. سفال‌های لانه‌زنبوری بیشتر در حفاری‌های عراق و ساحل خلیج فارس به دست آمده و به‌طور کلی، یکی از علائم مفید برای نشان دادن دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی‌اند.» (همان: ۲۲). شیوه دیگر، کاربرد تکنیک تزئینی کنده‌کاری موسوم به شامپلیو^۸ است که شبیه به تکنیک اسگرافیتو است. نقش‌های آن، نمایانگر توجه هنرمندان سفالگر به نقوش دوره پیش از اسلام است و به نظر می‌رسد که از روش‌های اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است. «در این شیوه پس از شکل‌گیری سفال و پیاده کردن طرح لازم روی آن با ابزار نوک‌تیز شروع به لایه‌برداری از نقش اصلی می‌کردند. این نوع ظرف‌ها به سبب استفاده از طرح‌های دوره‌های تاریخی مانند نقش اسفنجس‌هایی با بدن شیر و سر انسان، عقاب، شیر و مرغ عنقا به ظروف گبری معروف شده و بیشتر منسوب به گروس و آمل و آق‌کند و یازکند هستند و تحت نام ظروف اسگرافیاتو یا شانلووه شن اخته شده‌اند.» (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۶۱). سفالینه‌های موسوم به گروسی از این دسته‌اند که بقای تم‌های پیش از اسلام را نشان می‌دهند. «برخی از تاریخ‌نگاران هنرهای اسلامی کثرت موضوعات تزئینی ساسانی را در سفال دارای کنده‌کاری زیر مینا بررسی و ملاحظه کرده‌اند که بین این نقش‌ها نقش آتشکده و نقش کرکسی به چشم می‌خورد که فردی را که به جاودانگی می‌پیوندد، به آسمان می‌برند.



۳۳. گاو بالدار، بلندی ۱/۴ سانتی‌متر. آجر لعاب‌دار شوش قرن ۴ ق.م. (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۷۷).



۳۲. کوزه لعاب‌دار زیویه (رفیعی، ۱۳۷۷: ۲۰۴).

استفاده از لعاب‌های سبز و آبی در تمام پایگاه‌های فرهنگ ساسانی تا برقراری نظام واحد اسلامی معمول بوده است (تصویر ۳۵). در دوره عباسی نیز، ظروف با لعاب یک‌رنگ به دو صورت ساخته می‌شدند. «دسته اول عبارتست از کوزه‌های بزرگ که لعاب سبز یا آبی شبیه به سفال دوره ساسانی را دارند. تزئین برجسته حاشیه با طرح نباتی به وسیله طریقه‌ای که به نام فن باربوتین موسوم است، به عمل می‌آمد و دسته دوم ظروف بهتری است شامل بشقاب کوچک و فنجان و بطری و غیره که تزئین برجسته قالبی که با لعاب سبز پوشیده شده دارند. طرح تزئینی این ظروف که در سامره و شوش پیداشده دارای اشکال هندسی و نباتی و برگ است که روی ظروف سفالی دوره اشکانیان و ساسانیان نیز دیده می‌شود.» (دیمانند، ۱۳۸۳: ۱۵۸). از قرن سوم هجری، ایران به تدریج از زیر سلطه خلفای عباسی بیرون آمد. ظهور حکومت‌های محلی در ایران همچون طاهریان و سامانیان در خراسان و آل بویه در غرب ایران، پشتیبانی امرای محلی از زنده گردانیدن سنت‌های کهن ایرانی و تشویق هنرمندان سبب افزایش کیفیت آثار هنری در این دوران شد که نمونه‌های آن را در سفال‌های شمال شرق ایران مربوط به دوران سامانیان، می‌توان مشاهده نمود.



۳۵. بطری ایران، قرن اول هجری. ارتفاع ۲۳ حداکثر. قطر ۱۳/۵ سانتی‌متر با پوشش لعاب سبز. این سفال‌ها به دوره ساسانی منسوب می‌شوند که ساخت آنها تا اوایل دوره اسلامی ادامه داشته است (جی گروبه، ۱۳۸۴: ۱۸).



۳۴. تنگ لعاب‌دار دوره اشکانی یا ساسانی با لعاب سبز، ارتفاع ۱۷/۸ سانتی‌متر (همان: ۱۷۹).

تولیدات سفالگران این دوران بوده است (تصویر ۳۳). از مراکز حکومت پارتیان همچون دوراروپوس، سوریه و سلوکیه آثار سفالینی به دست آمده که نشانگر رایج بودن کاربرد لعاب قلیایی رنگ سبز-آبی در این دوره است. همچنان که استفاده از لعاب سربی نیز، در این دوره گسترش یافته است. بنابر گفته وولف، لعاب سربی از میانه هزاره دوم ق.م در بابل ابداع شده و به نظر می‌رسد که در اثر مبادلات بازرگانی به وسیله پارت‌ها، به چین و روم نیز راه یافته است. «تکنیک لعاب‌کاری سفال در منطقه خاورمیانه، حداقل به هزاره دوم پیش از میلاد بازمی‌گردد اما تولید انواع متعدد این سفالینه‌ها تا پیش از دوران پارت‌ها و ساسانیان از سال (۶۵۰-۱۲۵۲/۱۵۰-۷۶۷) انجام نگرفته است.» (ویلسن آلن، ۱۳۸۷: ۱۶). لعاب رایج دوره ساسانی نیز لعاب قلیایی سبز-آبی است.

سلطه سیاسی و نظامی مسلمانان در ایران، تغییرات چندانی را در سفالگری نداشت چراکه، انواع سفالینه‌های زیبا را پیش از فتح در ایران تولید می‌کردند. از این رو تشخیص سفالینه‌های پیش از اسلام از سفالینه‌های دوره اسلامی تا اندازه‌ای دشوار است. با این همه، توجه به لعاب‌ها می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های تشخیص در این باره، مدنظر باشد. با روی کار آمدن عباسیان و تشکیل حکومت‌های محلی در ایران، فعالیت‌های هنری و فرهنگی در ایران آغاز شد و از آنجاکه استفاده از ظرف‌های زرین و سیمین در اسلام تحریم شده بود، ساخت ظرف‌های سفالین با کیفیتی عالی و ظاهری زیبا و آراسته رونق یافت. این لعاب‌ها، گونه‌های مختلفی داشتند که ویژگی‌های آنها قابل بررسی است.

لعاب یک‌رنگ

سفالگری اسلامی در سده‌های اول و دوم هجری (دوران بنی‌امیه)، دوره ابتدایی خود را پشت‌سرمی‌گذارد. در این دوره، دو دسته سفال معمول بوده است: ۱. سفال بدون لعاب و ۲. سفال لعاب‌دار. سفال بدون لعاب از نظر سبک تزئین و اسلوب، شیوه ساسانی را ادامه می‌دهد. سفال لعاب‌دار که آن نیز، دنباله‌رو تکنیک لعاب‌کاری دوره اشکانیان و ساسانیان است، همان کاربرد لعاب یک‌رنگ است که در واقع، سرچشمه ظرف‌های لعاب‌دار یک‌رنگ دوره اسلامی است. سفالگران از دوران اشکانیان با گونه‌ای لعاب سبز مایل به فیروزه‌ای و لعاب قلع مات آشنا بودند آنچه‌ان که در « دوره ساسانیان لعاب سبز قلیا و مات رایج بود. در این دوره از رنگ سبز در طیفی محدود نظیر سبز تند و یشمی استفاده شده و ظروفی به شکل کوزه‌های کوچک و کاسه‌های به نسبت گود با این لعاب تزئین شده است.» (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۰)، (تصویر ۳۴).

لعاب گلی

از تکنیک‌های به‌کاررفته در دوران ساسانی و اشکانی، استفاده از گلابه است که به دو صورت اعمال می‌شده است: ۱. استفاده از گلابه به‌عنوان پوشش روی ظروف سفالین و ایجاد سطحی یکنواخت و یکدست. این روش فنی از دوران پیش از تاریخ، بین سفالگران ایران رایج بوده است.

۲. استفاده از گلابه به‌صورت انگوب^۸ که از تجربیات سفالگران پیش از دوره اسلامی است. «در این نوع تزئین ظرف ساخته‌شده از گل را که معمولاً دارای خمیر نخودی یا قرمز بوده است پس از خشک‌شدن در دوغابی از گل نخودی فرومی‌برند طوری که داخل و خارج آن یکنواخت با این دوغاب پوشانده می‌شود و پس از خشک‌شدن ظروف را به نقوش مورد نظر می‌آراستند.» (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۲). متأسفانه، نمونه تصویری استفاده از این تکنیک در دوره پیش از اسلام یافت نشد. هرچند، گفته شده که گلابه از شیوه‌های کهن نقش‌اندازی روی سفالینه‌هاست که در دوره اسلامی نیز کاربردهای گسترده‌ای در تزئینات سفالینه‌ها داشته است. مانند سفالینه‌های موسوم به سیلوئت^۹ یا سایه‌نما که نخست بدنه ظروف را با پوشش گلابه سیاه‌رنگ می‌پوشاندند و سپس، نقوش مورد نظر را روی آن حکاکی می‌کردند و ظرف را با لعاب بی‌رنگ یا آبی فیروزه‌ای می‌پوشاندند. این کار از تزئینات رایج دوره سلجوقی بوده است. روش دوم استفاده از گلابه در ایجاد تزئینات رنگین است. این رنگ‌ها، به‌صورت طبیعی در خاک یافت می‌شوند و از شیوه‌های کهن نقش‌اندازی روی سفالینه‌ها در دوران پیش از تاریخ و دوره تاریخی ایران پیش از اسلام است که در بسیاری از میدان‌های فرهنگ سفالگری همچون سیلک و شوش به‌کار می‌رفته و انواع نقوش با رنگ سیاه، خاکستری، قهوه‌ای، قرمز روی بدنه سفالینه‌ها ترسیم می‌شدند. «در اواخر سده نهم/سوم و اوایل سده چهارم در شمال‌شرق ایران و آسیای مرکزی نوع جدیدی از سفال موسوم به سفال با نقاشی گل رسی پدید آمد و گسترش یافت. در این سبک گل رس سطح ظرف را پوشانده و از جاری‌شدن رنگ یا رنگ‌ها زیر لعاب سربی شفاف جلوگیری می‌کند.

در نتیجه، اجرای دقیق طرح‌های کتیبه‌ای، گیاهی و انسانی روی این ظروف امکان‌پذیر می‌شود.» (فهروری، ۱۳۸۸: ۱۲). کاربرد تکنیک نقاشی با استفاده از گلابه‌های رنگین از تکنیک‌های به‌کاررفته بر سفالینه‌های نیشابور و آمل در دوره سامانیان است (تصویرهای ۳۶ و ۳۷). این تکنیک، اوایل دوره اسلامی، سده‌های سوم و چهارم از انواع گوناگونی

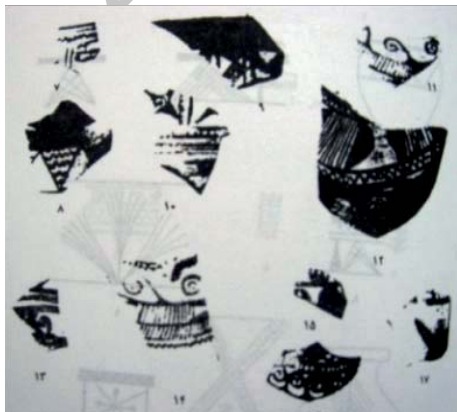
برخوردار شد^{۱۰}. «می‌توان گفت که سفال‌های دوران سامانیان رنگ‌بندی‌هایی بر پایه رنگ‌های سفید تا قهوه‌ای دارند که مورد اخیر طیف رنگ‌هایی از زرد تا نارنجی و قهوه‌ای و نیز قرمز را دربرمی‌گیرد. تضاد این رنگ با رنگ زمینه سفید آن به شدت تأثیرگذار بوده و با وجود اینکه رنگ زمینه آن مشابه رنگ زمینه سفالینه‌هایی بود که همان زمان در عراق ساخته می‌شدند، اما تزئینات آنها تفاوت‌هایی شگرف باهم دارند. سفالینه‌هایی از این نوع در مناطقی چون خراسان و ماوراءالنهر یافت شده‌اند.» (ویلسن آلن، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

لعاب سفید قلع

سده سوم هجری، سفالگران مسلمان سامانی دست‌به‌ابتکار جالبی زدند که تقلیدی از لعاب سبک ادوار تاریخی ایران بود. هرچند، بنابر دیدگاه برخی از متخصصان استفاده از لعاب، قلع از ابداعات چینی‌هاست که دوره اسلامی از آن تقلید شده اما باید گفت که «این مشکل به‌طریق دیگری قبلاً حل شده بود و آن تقلید از لعاب کاری اشکانیان در سلوکیه



۳۶. سفال‌های منقوش چندرنگ، دوره اشکانی (هرینگ، ۱۳۷۶: ۲۳۷).



۳۷. نیشابور قرن سوم و چهارم (رفیعی، ۱۳۷۷: ۲۱۰).





۳۸. استفاده از لعاب سفید در آجرهای لعاب‌دار دوره هخامنشی (شوش) (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۵۵۸).



۳۹. کاسه سفالینه سفیدمات یا لعاب قلع قرن سوم هجری عراق، ارتفاع ۸/۸ و قطر دهانه ۲۴/۸ سانتی‌متر (فهروری، ۱۳۸۸: ۱۱).



۴۰. بشقاب سفالین از خمیر سفید با تزئینات آبی زیر لعاب شفاف، ارتفاع ۵/۵ و قطر دهانه ۲۲/۵ سانتی‌متر. شوش یا نیشابور قرن سوم هجری (رفیعی، ۱۳۷۷: ۲۰۹).

بود که با افزودن اکسید قلع به بدنه، سطحی برای نقاشی ابداع کرده بودند.» (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۴۵۹).

سفالگران سامانی برای تقلید از مصنوعات چینی هم‌عصر خود با افزودن اکسید قلع به لعاب، لعاب سفیدی تولید کردند که به‌عنوان آستر، روی ظروف سفالین را پوشش می‌داد (تصویر ۳۸) و بدنه این ظرف‌ها را همچون بومی آماده نقش‌اندازی هنرمندانه آنان می‌کرد. کاربرد این روش، استفاده از گل رس سفید را به‌مثابه گلابه از بین برد. ایران، نخستین زادگاه ظروف ماجولیکا^{۱۱} است. سفالگران ایرانی برای پوشاندن بدنه‌های رنگی، از لعاب کدر و سفید قلع استفاده می‌کردند (تصویر ۳۹) و «بدین ترتیب سفالگران جهان اسلام آن روز و در رأس آنها سفالگران ایرانی لعاب‌های سربی کدر قلع را که ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح اوایل دوره هخامنشی به‌وسیله ایرانیان باستان مورد استفاده قرار می‌گرفت، احیا کردند. در خلال قرن‌های سوم تا هشتم هجری زیباترین نمونه‌های ماجولیکا در ایران ساخته می‌شده است.» (رحیمی و متین، ۱۳۶۸: ۱۵). این لعاب برای ایجاد تزئینات دیگری موسوم به تزئینات آبی روی سفید که دوره اسلامی و دوره عباسیان رواج یافت نیز، دارای اهمیت است (تصویر ۴۰). این ظرف‌های آبی و سفید دیگر بار دوره صفویه، ساخته شدند. «بالینکه به عقیده گروهی ساختن این‌گونه ظروف دوران صفویه به‌خاطر نقوشی مانند گل نیلوفر (لوتوس و سیمرغ) به تقلید از ظروف چینی بوده است ولی با اطمینان نمی‌توان مبداء آن را چین دانست زیرا نمونه‌هایی از ظروف سفالین با رنگ‌های کمیاب آبی تیره، روی زمینه مایل به آبی، از زمان پارت‌ها و ساسانیان توسط هیأت اعزامی گیرشمن از شوش به‌دست آمده و در واقع دوران عباسیان را می‌توان دوره تجدید حیات این روش فنی دانست و چینی‌ها در این تجدید حیات سهمی داشته‌اند ولی مبداء این روش ایران بوده است.» (رفیعی، ۱۳۷۷: ۵۰).

بدین ترتیب، دست‌کم می‌توان استمرار سنت‌ها و تجربه‌های ویژه‌ای از لعاب‌های پیش از اسلام را تا چند سده در سفالینه‌های اوایل اسلامی، ردیابی کرد. در ادامه، تجربه‌های سفالگران اسلامی بود که سبب شد تا دستاوردهای جدید در زمینه لعاب را به میراث سفال پیش از اسلام بیفزایند. برای نمونه، استفاده از لعاب سفید قلع که ریشه در سنت‌های سفالگری پیش از اسلام ایران دارد، زمینه لازم را برای ابداع لعاب زرین‌فام در جهان اسلام پدید آورد. نتیجه بررسی‌های مطالعه پیش‌رو در (جدول ۱)، به‌گونه اختصار قابل مشاهده است.

جدول ۱- تشابهات سفالینه‌های دوره متأخر قبل از اسلام و اوایل دوره اسلامی.

تشابهات	سفال دوران متأخر قبل از اسلام	سفال دوره اوایل اسلامی
فرم خمچه‌ها با دسته‌های متعدد		
نقش نقش عقاب		
شیوه‌های نقش‌اندازی نقش برجسته و کنده		
لعب لعب سفید قلع		

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مطابقت آثار سفالین اوایل دوره اسلامی با آثار سفالین دوره‌های تاریخی ایران، گواهی بر ادامه بسیاری از سبک‌های سفالگری دوره‌های تاریخی ایران در فرم ظروف، نقوش مورد استفاده، شیوه‌های تزئین و رنگ لعاب‌های اوایل دوره اسلامی است. هم‌چنان‌که این سبک‌ها در قرن‌های اول و دوم هجری و تا زمان مُلک‌رانی عباسیان نیز، ادامه یافتند. نتایج به‌دست‌آمده از بررسی‌های مقاله حاضر را می‌توان بدین گونه بیان کرد.

فرم‌های سفالینه‌هایی چون آمفوراها و خمره‌های ذخیره آذوقه و قمقمه‌ها با شباهت زیاد نسبت به فرم‌های پیش از خود در اوایل دوره اسلامی بازم، تکرار می‌شوند. این امر، درباره بسیاری از نقوش هندسی، حیوانی و گیاهی نیز اتفاق می‌افتد با این تفاوت که نقوش به‌کاررفته روی سفالینه‌ها در اوایل دوره اسلامی، بیشتر نقش‌مایه‌های گچ‌بری‌ها، فلزکاری‌ها و

منسوجات دوره ساسانی است تا نقوش سفالینه‌های دوره ساسانی. ضمن اینکه، نقوش روی سفال دوره ساسانی بیشتر به صورت نقش افزوده، نقش کنده و یا قالبی است و کمتر نقاشی شده‌اند در صورتی که، در دوره اسلامی نقاشی کردن سفالینه‌ها به روش‌های پیشین افزوده شد.

شیوه‌های نقش برداری هم نخست، همان شیوه‌های دوره‌های پیشین است که به مرور با تکنیک‌های لعاب کاری ترکیب شده و پیشرفت شایانی کرده است.

هرچند در ابتدا، تکنیک‌های لعاب کاری همان تکنیک‌های دوره ساسانی و اشکانی است لیکن، در سده‌های سوم و چهارم هجری به علت آشنایی سفالگران با آثار سفالین چینی و رقابت با آنان، ابداعات و نوآوری‌هایی همچون استفاده از لعاب سفید قلع و ساخت ظرف‌های آبی و سفید در سفالگری دیده می‌شود. این نوآوری‌ها بر پایه بعضی از تجارب و آگاهی‌های سنتی گذشته صورت گرفته و موجب تکمیل هرچه بیشتر آن شده است.

اگرچه سفالگری اوایل دوره اسلامی، در ادامه نفوذ روزافزون باورها و اعتقادات مذهبی و همچنین رقابت با تولیدات سفالین کشور چین، تحولات چشمگیری را در عرصه هنر سفالگری پدید آورد لیکن تاندازه‌ای زنده نگه داشتن سنت‌های هنری گذشته بوده تا اینکه آنها را ابداع کند. آن گونه که شاید بتوان گفت سفالگری اوایل دوره اسلامی، وام‌دار سفالگران دوره‌های پیش از اسلام به ویژه اشکانیان و ساسانیان است که با بهره‌گیری از همان سبک‌ها و نقوش سنتی برای حاکمان جدید کار کرده‌اند. در واقع، اگر امروزه سفالگری به عنوان یکی از دستاوردهای مهم دوره اسلامی شناخته می‌شود، شهرت خود را مدیون هنرمندان و سفالگران ایرانی است که با تلاش و کوشش میراث گرانقدر هنری خویش را با انواع ابداعات و ابتکارات درآمیخته و موجبات اعتلای آن را فراهم آورده‌اند.

پی نوشت

- 1- Typolojy
- 2- James Wilson Allen
- 3- Arthur Lane

۴- Sgraffito: واژه‌ای ایتالیایی است که به معنی خراش است (رحیمی و متین، ۱۳۶۸: ۱۵).

۵- Barbotine: قراردادن خمیر نازکی از گل از سوراخ کیسه‌ای به صورت مارپیچ روی سطح چرمینه سفالینه‌ها.

- 6- Champlev

۷- Sphinx: حیوانی ترکیبی با بدن شیر و بال عقاب و سری انسانی که در بیشتر تمدن‌های کهن به عنوان نگهبان معابد و کاخ‌ها جلو ورودی به کار می‌رفته است.

- 8- Engob

- 9- Silhouette

۱۰- انواع نقاشی گلابه، به چهار گروه تقسیم می‌شود: الف. سفالینه با پوشش گلی و نقش سیاه بر زمینه سفید که معمولاً تزئین کتیبه‌ای دارند. ب. سفالینه با پوشش گلی و نقوش رنگارنگ روی زمینه سفید با نقوشی از انسان و حیوان و گیاهان. ج. سفالینه لعاب گلی با لعاب‌های درخشان معروف به زرین فام اولیه که معمولاً درخشندگی خاصی داشت. د. سفالینه لعاب گلی با نقوش سیاه روی زمینه زرد (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۶۳-۲۶۲).

۱۱- ماجولیکا، از نام جزیره (majorca) در اسپانیا گرفته شده است. در این جزیره مسلمان نشین از اوایل قرن پانزدهم، ظرف‌هایی با لعاب کدر قلع مشهور به ماجولیکا ساخته و به دیگر نقاط جهان فرستاده می‌شد (رحیمی و متین، ۱۳۶۸: ۱۵).

منابع

- برند، باربارا. (۱۳۸۳). *هنر اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مرکز نشر مطالعات هنری.
- پوپ، آرتور آپهام و آکرمن، فیلیس. (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*، ترجمه سیروس پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- توحیدی، فائق. (۱۳۷۹). *فن و هنر سفالگری*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ اسلامی.
- حسن، زکی محمد. (۱۳۷۷). *هنر ایران در روزگار اسلامی*، ترجمه ابراهیم اقلیدی، تهران: صدای معاصر.
- حسن‌زاده، یوسف. (۱۳۸۴). *تأملی بر هنر مانایی، باستان‌شناسی و تاریخ*، (۳۹ و ۴۰)، ۴۱-۵۰.
- جی‌گروبه، ارنست. (۱۳۸۴). *سفال اسلامی*، ترجمه فرناز حائری، تهران: کارنگ.
- دیمانند، موریس‌اسون. (۱۳۸۳). *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
- رفیعی، لیلا. (۱۳۷۷). *سفال ایران*، تهران: یساولی.
- رحیمی، افسون و مهران متین. (۱۳۶۸). *تکنولوژی سرامیک‌های ظریف*، بی‌جا: شرکت صنایع خاک چینی ایران.
- زمانی، عباس. (۱۳۹۰). *تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی*، تهران: اساطیر.
- فهروری، گزا. (۱۳۸۸). *سفالگری جهان اسلام*، ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مرکز نشر مطالعات هنر اسلامی.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۵۷). *مجموعه نخست وزیری*، تهران: انتشارات مخصوص نخست‌وزیری.
- _____ (۱۳۷۹). *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*، تهران: نسیم دانش.
- کامبخش‌فرد، سیفالله. (۱۳۸۰). *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر*، تهران: ققنوس.
- موسوی خامنه، زهرا. (۱۳۸۶). *مجسمه سازی*، تهران: سمت.
- وولف، هانس‌ای. (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ویلسن‌آلن، جیمز. (۱۳۸۳). *سفالگری از آغاز دوران ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- _____ *سفالگری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- هرینک، ارنی. (۱۳۷۶). *سفال ایران در دوره اشکانی*، ترجمه حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- Feheravari, G. (2000). *Ceramics of the Islamic World in Tareq Rajab Museum*. London & New York: I.B.Tauris Publishers.
- Lane, A. (1947). *Early Islamic Pottery*. London: Faber and Faber.
- Manners, E. & Hugo, F.M. (1998). *Ceramics Source Book*. Grange.books ltd.





Received: 2012/5/6
Accepted: 2012/11/28

A Comparative Study of the Similarities between the Ceramics of the Later pre-Islamic and Early Islamic Periods in Iran

Abbas Akbari* Mahboubeh Hosseini Yazdinejad**

Abstract

The ceramic art of Iran in early Islamic period followed the same way as the historical periods of Iran before Islam (Parthian and Sassanid). Arab's poor knowledge of art caused them to enjoy the fruits of cultural and artistic heritage of their conquered realms. Since their religion inhibited them from eating and drinking in golden and silver dishes, they inclined to use ceramic dishes. They also enjoyed the fruits of ceramic art of pre-Islamic periods in Iran. Hence, a lot of ceramic works of early Islamic period in Iran have been affected by the art of pre-Islamic periods and consequently the similarities between these works resulted in some misunderstandings about the two periods. Therefore, it is necessary to shed light on the similarities between the potteries of the pre-and-after Islamic periods in Iran. It is also necessary to find out the portion of Iranian ceramic art in the success of Muslim ceramic artists all over the world. The present paper tries to investigate the subject analytically and descriptively by using library sources and historical methods. In this article, by Iran we mean the ancient Iranian Empire (particularly Parthian and Sassanid periods), not contemporary Iran with its geographical and political borders.

Keywords: Sassanid, Parthian, ceramic, Islamic ceramic

* Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, University of Kashan, Iran

** M.A. Faculty of Art and Architecture, University of Kashan, Iran